

۲۷ شهریور ماه، روز شعر و ادب پارسی و بزرگداشت استاد شهریار گرامی باد

# خاطرات تلخ و شیرین شهریار

■ مهنا  
زمانی نیک

در فرهنگ ایرانیان، زندگی با شعر، آغاز و با شعر بدرقه می‌شود. کودک در گهواره، لالایی را می‌شنود و از همان ابتدا با شعر انس می‌گیرد و پس از مرگ نیز بر مزارش، شعری حک می‌کنند که برایش می‌سرایند. آمیختگی ما با شعر و تأثیری که شعر بر فرهنگ و روحیات رفتار ما دارد، ضرورت پرداختن به آن و ضرورت پاسداری

از حریم چنین عنصر اعجاز‌آفرینی را بیشتر می‌کند. زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گرانسنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره مورد توجه و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمین‌های دور و نزدیک بوده است. با وجود حوادث و رویدادهای پر تپ‌وتاب و گاهی هم ناخوشایند اما امروزه باز هم این زبان

شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان حضور و نفوذ دارد. در حقیقت شرح حال و خاطرات زندگی شهریار در خلال اشعار وی خواننده می‌شود و هر تفسیر و تعبیری، به افسانه زندگی او نزدیک است و حیف است که از پرده رویا و افسانه خارج شود. اگر شأن نزول و علت پیدایش هر یک از اشعار شهریار نوشته شود، در نظر بسیاری از مردم، هر قطعه ارزشش شاید ده برابر بالاتر باشد.



**شهریار به جز الهام شعر نمی‌گفت. اغلب اتفاق می‌افتاد که مدت‌ها می‌گذشت و هر چه سعی می‌کرد حتی یک بیت شعر هم نمی‌توانست بگوید و بود در شبی که موهبت الهی به او رو می‌کرد، اثر زیبا و مفصلی به جا می‌گذاشت. شاهکار تخت جمشید وی، یکی از بزرگترین آثار شهریار است**

۶۶

نمی‌توانست خوشحالی‌اش را مخفی کند. شهرت شهریار تقریباً بی‌سابقه بود، تمام کشورهای فارسی زبان و ترک زبان و هر جا که ترجمه یک قطعه از شعرش رفته باشد، هنر او را می‌ستایند.

منظومه (حیدر بابا) نه تنها تا کوره ده‌های آذربایجان، بلکه به ترکیه و قفقاز هم رفته و در ترکیه و جمهوری آذربایجان چندین بار چاپ شده است و بدون استثنا ممکن نیست ترک زبانی منظومه حیدر بابا را بشنوند و منقلب نشود.

شهریار در سال‌های آخر اقامت در تهران خیلی دوست داشت که به شیراز برود و در جوار آرامگاه حافظ باشد و این خواست خود را در اشعارش (ای شیراز و در بارگاه سعدی) آورده است ولی بعدها از این فکر منصرف شد و چون از اقامت در تهران هم خسته شده بود، به تبریز برگشت.

به‌رغم وجود نام‌های بزرگانی در تقویم بزرگداشت شاعران بزرگ همچون فردوسی، مایه سربلندی ایرانیان، حافظ و سعدی و عطار در مناسبت‌های سال توجهی به بزرگداشت شعر معاصر ایران نشده بود. تاریخ ادبیات یک ملت برای ظهور چنین نوادری به

ادوار مختلف تقسیم شده است. برای پرداخت به شعر معاصر و شاعران توانایی که در دوران ما زندگی می‌کنند باید مناسبتی وجود داشته باشد.

این مناسبت باعث خواهد شد همانند توجیه به سایر جوه هنر از قبیل موسیقی، تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی به این نوع فاخر و فخیم هنر ایران نیز توجه بشود.

حضور قدرتمند شهریار از دو جهت حائز اهمیت است: اول اینکه شهریار توانست به دور از اغراض سیاسی، مکتبی نور را در شعر ترکی بنیان گذارد و توجه شاعران ترکی زبان را در ایران و بلکه فراتر از مرزها به ارزش‌های زیبایی‌شناختی شعر، جلب و شعر را جایگزین شعار کند.

از سوی دیگر او کسانی را که از شعر ترکی



تغییر می‌کرد و در مواقع حساس، بغض گلویش را می‌گرفت و چشمانش پر از اشک می‌شد و شنونده را کاملاً منقلب می‌کرد. به قدری در تخیل و اندیشه آن فرو می‌رفت که از موقعیت و مکان و حال خود بی‌خبر می‌شد.

شهریار به جز الهام شعر نمی‌گفت. اغلب اتفاق می‌افتاد که مدت‌ها می‌گذشت و هر چه سعی می‌کرد حتی یک بیت شعر هم نمی‌توانست بگوید و بود در شبی که موهبت الهی به او رو می‌کرد، اثر زیبا و مفصلی به جا می‌گذاشت. شاهکار تخت جمشید وی، یکی از بزرگترین آثار شهریار است.

توکل وی غیرقابل وصف بود، خداشناسی و معرفت شهریار به خدا و دین در غزلیات وی مندرج است. شهریار در مقابل بچه کوچک مخصوصاً

که در بچگی و اوایل جوانی دیده، معروف است و دیگران هم نوشته‌اند. اوایل خوابی است که در سیزده سالگی بوده، زمانی که از تبریز به تهران می‌آمد. او در خواب دیده بود که بر روی قله کوه‌ها طبل بزرگی را می‌کوبند و صدای آن در اطراف می‌پیچد و به قدری آن صدا رعدآسا است که خودش نیز وحشت می‌کرد. این خواب شهریار را می‌توان به شهرتی که پیدا کرده و بعدها هم بیشتر خواهد شد، تعبیر کرد.

خواب دوم شهریار در ۱۹ سالگی و زمانی است که عشق اولی شهریار دوران آخرش را طی می‌کرد و شرح خواب این است که با معشوقه خود شنا می‌کرده و از غفلت او، معشوقه به زیر آب می‌رود و شهریار به دنبالش رفته و هر چه جستجو می‌کرد، او را نمی‌یافت و در کف استخر سنگی را می‌بیند که چون روی آب می‌آمد، گوهر درخشانی می‌شد که دنیا را مانند آفتاب روشن می‌کرد و از اطراف می‌شنبید که گوهر شب چراغ است.

شعر خواندن شهریار طریق خاصی داشت و اشعار، قافیه‌وژست و آهنگ صدا با موضوعات

شهریار یک عشق آتشین اول دارد که آن را عشق مجازی می‌نامید. اغلب غزل‌های سوزناک وی برای ذائقه عموم خوشایند است. پس از عشق اول، شهریار با دل سوخته و دم آتشین به تمام مظاهر طبیعت عشق ورزیده و در این مراحل مثل مولانا که شمس تبریزی و صلاح‌الدین و حسام‌الدین را مظهر حسن ازل قرار داده است، با دوستان با ذوق و هنرمند خود نرد عشق می‌بازد و همین دوستان وی هستند که مخاطب شعر و انگیزه احساسات او می‌شوند. عشق‌های عارفانه شهریار را در خلال غزل‌های او و خیلی آثار دیگر می‌توان مشاهده کرد.

خیلی از خاطرات تلخ و شیرین شهریار هم از کودکی وی تا به امروز موجود است و با مطالعه آنها خاطراتش را می‌توان مشاهده کرد. برای آن که سینمای عشقی شهریار را تماشا کنید، باید از دل پاک او تراوش کرده و در صفحات دیوان آن را بیابید و درست در جلوی نور چشم و روشنی دل بگذارید.

شهریار روشن بین بوده است و از اول زندگی‌اش با رویا هدایت می‌شده است. دو خواب او

به عنوان یک حربه سیاسی به نفع بیگانگان بهره می‌بردند، خلع سلاح کرد.

در میان شاعران و بزرگان شعر معاصر کشور استاد سید محمد حسین شهریار، به گواهی بسیاری منتقدان و محققان برجسته و به تصریح همگانش، همچنین تأیید ذوق عمومی، درخشان‌ترین چهره شعر معاصر ایران است.

استاد شهریار با زبان و نگاه ویژه خود در انواع و قالب‌های مختلف شعر سنتی سخن‌پردازی کرده است. آثار او، در هر نوع و قالبی، هم از نظر قوت و کیفیت و هم از نظر کمیت قابل توجه است.

یکی از بزرگترین خدمات شهریار، ایجاد تحول در عرصه غزل فارسی است. جریان پویایی که امروزه با عنوان «غزل نو» به موازات شعر

نو به حیات خود ادامه می‌دهد، در واقع با غزل‌های نوآیین استاد آغاز شده است. از همین رو، شهریار را می‌توان احیاگر غزل فارسی و نیز پدر غزل نو دانست. رویکرد ویژه شهریار به غزل، باعث شد غزل بار دیگر به عنوان پویاترین گونه شعر فارسی جایگاه خود را در اذهان باز یابد.

شهریار از آغاز رویکرد به شعر و شاعری با کلام خداوندی و آثار بزرگان شعر و ادب این سرزمین مانوس و مألوف بود.

از همان دوران کودکی با نظر پدرش در کوران حوادث مشروطه به روستای آباء و اجدادی خود فرستاده شد و با دو گنجینه عظیم اعتقادی و ادبی یعنی قرآن کریم و دیوان حافظ انس گرفت، انسی که در مواردی به شیفتگی شبیه بود، این تسلط به منابع لایزال از یک سو و استعداد و نبوغ کم‌نظیر استاد از سوی دیگر در تکوین و تشکیل شخصیت وی نقش بسزایی داشت.

و اکنون ما کمتر ملتی را می‌توان در جهان پیدا کنیم که اینقدر به شعر بپردازد و گنجینه‌ای غنی و ارزشمند با این عظمت داشته باشد. منزلت شعر نزد ایرانیان به اندازه‌ای است که به رغم ساختار وهمی شعر، ارزشمندترین مفاهیم دینی و هنری و تاریخی ما به شعر گفته شده است.

به عبارتی در همه ادوار تاریخ، با شعر زندگی کرده ایم. شعر همزاد تاریخی ماست و جالب اینکه، با وجود این همه قرابت و موانست روحی و معنوی با شعر، کمتر به بحث و تفسیر و کشف ماهیت آن پرداخته شده است. گویی از فرط روشنی موضوع نیازی به تعریف آن نبوده است.

هنر شعر در خون ما برای همیشه جاری و ساری بوده است و استاد شهریار همچون سیمرخ در جایگاهی چندان فراتر از دیگر شاعران هم عصرش جای گرفته است که برتریش را حتی بی‌چشم و چراغ هم می‌توان دریافت. به همین دلیل اختصاص روزی به شعر و ادب کشور امری ضروری است. ■

سلامت بخوانید سلامت بمانید



سلامت  
www.salamat.ir